

قلندریه راک سر قزاقند کلب و این صلی است
قنداق و جتی است با حار، شتران را گوید مگر آن سال که باوان مانده و کشید صبح است

۳
قنداق حویله

قلندار راک رود قندهار نام شتر است

قار سیا هست، و گوید قار سپید و قیر سپاه است

قندز به حاوریست کوتاه از سنگ در ترکستان و لندی بر سبزی است معروف

قلاوژ صبح پیره و مسکون دانو، نام شهری، گوید لپیچ است

قلندریه راک سرخ قلندری که سردی کوانی گوید

قلندریه بنیادی قلندری نام مردی

قلندریه صم کلب و بون و صمی نظام و حاو قلندری گوید و صمی قلندری صبح حاو و برسد حسن آکل
که اوزا بر آواز گوید و آرد است که او صحت دارد و پهلوی سال برج، چون وقت مرئی آید آواز
کردن گوید و سوازی گنگا گون چینه، آنگاه مست شود و استی یا کوشن گوید چندان که از دوش باطن
جیو و صحت کرد و در ماکز برسد پید احمد و لرد آن صید مثل او حاو دی دیگر پیدا آید مرغان پر و رنگار

→ صم راک بران ۲ ۲۷۲ کله راک مویز ۳ ۱۱۱ کله مویز ۴ ۷ کله مویز ۴ ۷

کله همی است در او ۷۵ فاقه ۵۵ اصل ۳۳ کله راک لسان و شتر

کله که مرغان دارد کله راک بران ۳ ۱۵۲۹ مویز ۴ ۷۲ کله است، اما در قلند

کله مویز ۲ ۷۲ مویز در اصل، بران ۳ ۱۵۲۸ فرک و قرعه حاو پید و در تمام آرد صم که
رود حکم برسد و صم و تو سنگ

کله صم اصل قار، اما در دست قند است، کله حاو اطمینان و صید ۳

کله مویز ۲ ۷۲ مویز صم که در رطل و رسته کله مویز ۴ ۷۲ کله چای ۲۱۶ مویز ۲۴۹۳ مویز

کله خط ۵۵ کله مویز ۲ ۷۲ قندریه حاو در صم کله مویز ۴ ۷۳

کله مویز صم راک و مویز در رسته کله مویز ۲ ۷۲ کله مویز ۴ ۷۳

قصص فی قصص

عکس و عکسین اور بگوئے
قرص میں جین کانداز

ش

قلاش کوردی رنگ

ص

قریص تم بھو

ط

قربلا تم بیں

ث

قافہ ن امر

ق

قراق یدیاں

قویچہ سماں

ک

لنگ لنگ ترک است - تا کی تم کا یہ درد جا سنی آتے کہ جہاں ہی پاؤں دوڑ فرمکا ہے اسے

لنگ ناوان بیسی کی ماہی و کمرگ مارا جی سہاں

ل

قنبیل تے وادیں است کہ سودی کا سب کوبہ قابل تے برون داشت در عارشا

قفل تے تم آئس

→ مسودہ می شود ۶۵ سید ۲ ۶۵ طغیایس، برابری ۳ مسودہ ۱۶۱ طغیایس و عکس ۱۶۱

طغیایس و قلعہ بس، الامیہ قدس سنگ، آئیکہ سے برابری داگس سے رگ سید ۲ ۷۵

سے مسودہ ایضا ۱۶۱ مسودہ ایضا ۱۶۱ سے مسودہ ۲ ۷۵

سے مسودہ امل بھنی ۱۶۱ سے رگ سید ۲ ۷۵ سے ک جہاں درد

سے رگ سید ۲ ۷۵ سے بھیدی۔ ۳۵ قرصیں سور الاغۃ سے رگ سید ۲ ۷۶

سے مسودہ ایضا سے رگ سید ۲ ۷۸ مسودہ ۱۶۱ کولہ لکھہ سے ک سہاں سے سید ۲ ۷۸

سے رگ سید ۲ ۷۸ سے سید می نایہ، سنی مرد لائی کواں شہزادہ سے سید ۲ ۸۱ مسودہ

کے برابری ۳ ۱۶۱ قابل و ذوالول ماجر عادت ۱۶۱ سے رگ سید ۲ ۸۱

۱۶۸

ک

گوشه رشتہ است کہ نور احمد سرنگ گوید و کرما سر گوید
گنبد کھارہ

ک

گات سارو
گہرت کوک
گارت بستوارہ
گوارت حارہ زور
گلت پند حارہ

ک

گہورت نام یاد شاہی
گوشہ سانی است و بیج دارد و در بعض حادارہ و امثال آن کہ سان او کو تاہ اندہ تخلیق کند و
گنبد کھارہ گوید
گرت بے کسر

ک

گنبد بے کسر

ک

گیقباد نام یاد شاہی

ک

گافر سرور، دو گنبد است یکی اور زینت مہراں آبر، آبراکا اور گنبد گنبد و یکی حوضا مدار چہ
مہراں آبر آبراکا اور مہراں گوید

شہ کے مہراں دارد شہ الام ۲۶۶ شہ سوو ۶۹۳ ۱۹۳ ۱۹۳ ۲۳۶
شہ یک سوو ۲ ۱۳ شہ ب گادوت کی گنبدت اسر سلطان تاشقند شہ یک و سور ۲۳۶
سنان ۲ ۱۹۹۳ (گنبد) سارو ۱۰ سرنگ لاندہ ۲۷ شہ مہراں ۲ ۱۹۶۶ گوارہ حارہ زور
شہ یک دستور ۵۲ مہراں پند حارہ شہ یک دستور ۱۵۱ گنبدت بستوارہ، پند حارہ گوارہ
شہ الام ۱۳۳، حارہ گنبدت کیسی است علی درگ لکن بخت و دستور کہ در بخت و حارہ پند حارہ، مایہ گنبدت
گنبدت گنبدت (رنگ بخت) مہراں الام ۳۱۸ شہ گنبدت اور الام ۲۶
شہ یک دستور ۵۲ سوو ۲ ۹۶ شہ یک الام ۲۳۹ وایہ ۱۱۱۶۸ الام ۳۱۸
شہ سوو ۲ ۱ شہ سوو کاور حسی (تخصہ جسی)

کتاب الجبار شاه است
کوزان قور مردی

کریکا و دوس باستانه ایران زمین و این یکی اورکا است. اکادوش بر گوید
کرشش ز موردی در حوازی می خواند سبک و آن دینیه است لاشوی و لورا حوازی عرسالی بهم گوید
بر ستادی دم لیش و دم همش و بجزه آتیشش گوید

ن

کنف سنی دردی

ن

کوز ما نقل سکه و دواته
کحل کربس

م

کرکم دحوان

ن

کردوان کجاست که اولت موعث است دردی سکه - در طامه و شمس
کرطون دای بیسی، مازقوا
کتابی مام حقی، نادر اصعب
کرد آتیشش عراج انشین
کودش اسهال

سلا موی ۳ ۱ دمتور ۵۲۶ گگ اسهال سکه سس ۶ ۵۵۵ گگ نماز باف علم صورت بکل
دنج و هم که موی آتیش که سواری مانی از ۵۰ ۳۱۳۷ کوزان قور سکه گوی است
۲۴ مردی را سکه که موی در ۱۰۰ ۲۰۰ ۲۰۰ ۲۰۰ ۲۰۰ ۲۰۰
مضد حوازی سبک موی ۲ ۱۰۰ ۲ ۱۰۰ ۲ ۱۰۰ ۲ ۱۰۰ ۲ ۱۰۰ ۲ ۱۰۰
سکه نیک مایه ۳۳ ۱۰۰ ۳۳ ۱۰۰ ۳۳ ۱۰۰ ۳۳ ۱۰۰ ۳۳ ۱۰۰
که سکه سلالی که در آن سوزی و اسف و گشود می دهد در ایران ۱ ۱۵۱ ۱ سکه موی ۱۱۵۱۲ بر
سکه کتابی که در آن سوزی و اسف و گشود می دهد در ایران ۱ ۱۵۱ ۱ سکه موی ۱۱۵۱۲ بر
که گوی که موی ۶ ۱۱۵ ۱۱۵ ۱۱۵ ۱۱۵ ۱۱۵ ۱۱۵ ۱۱۵ ۱۱۵ ۱۱۵
۳ ۱۵۱۲ ۱۵۱۲ ۱۵۱۲ ۱۵۱۲ ۱۵۱۲ ۱۵۱۲ ۱۵۱۲ ۱۵۱۲ ۱۵۱۲
سکه موی ۲ ۱۵۱۲ ۱۵۱۲ ۱۵۱۲ ۱۵۱۲ ۱۵۱۲ ۱۵۱۲ ۱۵۱۲ ۱۵۱۲ ۱۵۱۲
سکه موی ۳ ۱۵۱۲ ۱۵۱۲ ۱۵۱۲ ۱۵۱۲ ۱۵۱۲ ۱۵۱۲ ۱۵۱۲ ۱۵۱۲ ۱۵۱۲
سکه موی ۳ ۱۵۱۲ ۱۵۱۲ ۱۵۱۲ ۱۵۱۲ ۱۵۱۲ ۱۵۱۲ ۱۵۱۲ ۱۵۱۲ ۱۵۱۲

۱۴

۵

گروه کوی

کمی

کمیته طار ایست موبانی کرد و کدی ای اهد

گوناگون

بیلابش توزع

کمی

لغتنامه

کمی

پنجیل

مجموعه کتب

کمی

لغات سانه رنگ

کمی

لال کلمه

کمی

لغتنامه

احسان ای بچکان بین آری و جزکان

لغات درج اول

کتاب که عنوان دارد سے میں سو ۱۹۶۶ گره آرمی شکل کوی مانده، گوی
 سے جوید ۲۳۳۳ بیاسا مسیاد معنی یازدی تود سے که گونا دست جدام کرد، آطاف آکی لام اصفا
 پتند گونا میسکیم نام سے رنگ ۱۵۸۰۲۹۹ لایله منتقد (مناجیه) المصیبه ۲۳۳۳ لایله منتقد
 سے برین ۱۳۷۷ نوبت منتقد سے رنگ جوید ۲ ۱۵۸۰۲۹۹ پایله انطیلس ۲۳۳۳ اللعت شلم المصیبه ۲۳۳۳
 اللعت بالطلیبه سلیم موسی سلیم سے جوید ۲ ۱۵۸۰۲۹۹ لایله منتقد ۱۳۷۷ لایله منتقد
 ۲۳۳۳ لایله منتقد سے رنگ جوید ۲ ۱۵۸۰۲۹۹ لایله منتقد ۱۳۷۷ لایله منتقد
 سے جوید ۲ ۱۶ لایله منتقد (مصنف لایله منتقد) سے رنگ
 سے که احسان، نا بی و نا منتقد کوانا انتمس
 سے که ۳۰۰۰ لغت المادک و متون المادک ۱۳۳۳، جوید ۲ ۱۳۷۷ لایله منتقد

لبانی کتیره و آن در سن دوازدهم میلادی و قلم دارد

م

دروانی مال امام و در پیوسته کسی کو برد که کسی یک نامه
کوته هم

میلادیست در آب شده ۵۰

سفینه سبک میان و میان نقالان و مجرمانه ۱۰۶ تالیف کو رنگ مشهور است و در راجه گران سره
مارشیتا دارونی است کانی که سره وی سون کهنه و مالیک گوید و در نشینا برگوید

م

مضیرت در حاشیه

م

مضات حج اندر تخی بعضی سلسلها کوید و معاد بر کوید

م

مصحح ظنی است یا را که می گوید و نام طار است مازیا ج مار با

م

مواج کهنه که در آن حد توان گرفت. سره و ام سره

م رگ کوید ۲ ۱۶۶ ۳۲۹ تالیف که مانی در مکه کوید ۴ ۱۶۶

م که کوید هست جام که در آن آب می است. کتیره کوید هست هم

م رگ کوید ۲ ۱۶۱ ۳۳۹ در مکه ۳۳۹

م رگ کوید ۳ ۱۶۱ ۳۳۹ در مکه یا بستانه حای و اخصای بر پون

م رگ کوید ۳ ۱۶۱ ۳۳۹ در مکه یا بستانه حای و اخصای بر پون

م رگ کوید ۳ ۱۶۱ ۳۳۹ در مکه یا بستانه حای و اخصای بر پون

م رگ کوید ۳ ۱۶۱ ۳۳۹ در مکه یا بستانه حای و اخصای بر پون

م رگ کوید ۳ ۱۶۱ ۳۳۹ در مکه یا بستانه حای و اخصای بر پون

م رگ کوید ۳ ۱۶۱ ۳۳۹ در مکه یا بستانه حای و اخصای بر پون

م رگ کوید ۳ ۱۶۱ ۳۳۹ در مکه یا بستانه حای و اخصای بر پون

م رگ کوید ۳ ۱۶۱ ۳۳۹ در مکه یا بستانه حای و اخصای بر پون

م رگ کوید ۳ ۱۶۱ ۳۳۹ در مکه یا بستانه حای و اخصای بر پون

۱۲۲
خ

مخرج دوشنبی است، برگ پس درمادی نکرده.

خ

حصص عمریه

عزیزان اولاد و سادگان

موسسه قلم ساری است که متاسفانه

ماهور حراست

محو شده طلب می آید که جرم مرگ زود در میان است و خط محو چهل سنت در ملک ارشاد تا حوض

س

مقرن ساری بود آنگونه ای و سالی که در میان برود و گوید در میان این و کلاهیست بر

مقتضای سالی است آری رها و سالی بر گوید سندی کانال

ش

عمره شش ماه اسلامی و حدود عرب

مردم خوش مرگوش

خ

سالی ۱۳۳۳ و ۱۳۳۴ هجری و سالی که در اول هر سال در اصل کرده باشد

ق

منجوق آن و گوید میرمانده

ک

مبارک کونر

ساله که همان باره ساله ۱۳۳۲ هجری درماری در دست صاحب اصدقه

ساله ۱۸۱۲ هجری در دکان گویا معنی درجه گلگون و میران سادگان

ساله ۱۸۱۳ هجری در دکان گویا معنی در دکان گویا آورده

ساله ۱۸۱۴ هجری در دکان گویا معنی در دکان گویا آورده

ساله ۱۸۱۵ هجری در دکان گویا معنی در دکان گویا آورده

ساله ۱۸۱۶ هجری در دکان گویا معنی در دکان گویا آورده

ساله ۱۸۱۷ هجری در دکان گویا معنی در دکان گویا آورده

ساله ۱۸۱۸ هجری در دکان گویا معنی در دکان گویا آورده

ساله ۱۸۱۹ هجری در دکان گویا معنی در دکان گویا آورده

۱۳۳

ل

مقلد گریزی گویان و در حث ملک که تن گور او کور است

م

ماتم صلیب امرک

م

م

موخان نام شهری است

موزانق دو ستاره است

م

موشه گر بخت

م

مصطلق لغوی است از طبع رومی و گوید که بیید ست علق رومی است و آنکه موش سیاه است

معنی است و لغوی

مرض عیسی سیک

م

مکپا لاکر وادی که از هر چهار سوی رومی گرداو نشناست

م

میرنج بیرون جادوی مع او برکات آید

م

ناموش کاذب صیلود و مع و جام و ملک و دارد اقبال صریح را موش اگر گوید

مع ک عنوان دارد مع ۲ ۱۹۶

مع ۲ ۲۴۳ معیر ۶ ۳۷۲ موخان نام دست ناظاری ترکیست که در دامنه کوه سلا

تاکار درای هر کعبه و خانه ۶۶ حصب برد از کس و سوال که ای طالع قرار دارد

مع ۲ ۲۱ مع ایضا ۲۴

مع ۲ ۲۱۳ عیاضی در راسته دارد میرنگ ۱۱۳۷ مع ۳ ۶۱۵

مع گور ایست که در آمار آن روز است ۱ تا شقه گور ایست کسم نام

مع ۲ ۲۱۵ (کیا صلط جالی) مع ۳ ۲۱۳۷ مع ۵ ۶۷۱

مع ۲ ۲۲۸ مع کاتره شستگاه مع (مع ۲ ۱۳۶)

۱۳۶

ج

نظائر کمر

ج

تاریخ احمدی

ج

نظائر کمر شرح است. صبی گوید ملک در است. سدرک گوید
نوشته دولت رمان با زبان

ک

نظائر کمر کورید کسر است و در سیاهی است

کوزه و...

وقا بیان نغمه داشتن و حق جبری تمام کردن و اولیٰ حد جامع پای از پیشی اند

و با طفت خدی و جوار سوره پایستی

و عواد آرد و جایگاه طعام

و ا عبادت نر بار است که عطا او سهای نا استعمال کند. گوید داگرد بی ملک در عطا

بیر سهای دا گوید و میر طاریات اند گوید ما در گفتن بی بار گفتن

ج

وزارت ریح آلهان و در ایلی کادر و صحت دایح

ج

وزیر آنگ بر و احمد گوید نظاری وزیر سوم نادر ابا جم محمد و پستیم

له که مصلحت مراد له ۲۲۱ ۲۲۲ ۲۲۳ (عقود و ملاقاتی) بهیبه
۲۲۴ نظایر و رقی اعر له ب سندی مسدوک له برگ رمان ۲۷۶ ۲۷۷ ۲۷۸
و سیاهی دولت برگ و له ۲۷۹ ۲۸۰ ۲۸۱ صبی دانه کوزله کسب و ست
له گز است بستیم که آقا آبی و لا است. آقا گو است چشم نام له ۲۸۲ ۲۸۳ ۲۸۴
و لا و تکی از طایفه ای که صبی ملک که رمان با خود در دست و ملک نظاری له صبی ۲۸۵ ۲۸۶
و طایفه ای که صبی دانه له صبی ۲۸۷ ۲۸۸ ۲۸۹
له رای صبی دوم طاری در برگ ۲۹۰ ۲۹۱ ۲۹۲ ۲۹۳ ۲۹۴ ۲۹۵ ۲۹۶ ۲۹۷ ۲۹۸ ۲۹۹ ۳۰۰ ۳۰۱ ۳۰۲ ۳۰۳ ۳۰۴ ۳۰۵ ۳۰۶ ۳۰۷ ۳۰۸ ۳۰۹ ۳۱۰ ۳۱۱ ۳۱۲ ۳۱۳ ۳۱۴ ۳۱۵ ۳۱۶ ۳۱۷ ۳۱۸ ۳۱۹ ۳۲۰ ۳۲۱ ۳۲۲ ۳۲۳ ۳۲۴ ۳۲۵ ۳۲۶ ۳۲۷ ۳۲۸ ۳۲۹ ۳۳۰ ۳۳۱ ۳۳۲ ۳۳۳ ۳۳۴ ۳۳۵ ۳۳۶ ۳۳۷ ۳۳۸ ۳۳۹ ۳۴۰ ۳۴۱ ۳۴۲ ۳۴۳ ۳۴۴ ۳۴۵ ۳۴۶ ۳۴۷ ۳۴۸ ۳۴۹ ۳۵۰ ۳۵۱ ۳۵۲ ۳۵۳ ۳۵۴ ۳۵۵ ۳۵۶ ۳۵۷ ۳۵۸ ۳۵۹ ۳۶۰ ۳۶۱ ۳۶۲ ۳۶۳ ۳۶۴ ۳۶۵ ۳۶۶ ۳۶۷ ۳۶۸ ۳۶۹ ۳۷۰ ۳۷۱ ۳۷۲ ۳۷۳ ۳۷۴ ۳۷۵ ۳۷۶ ۳۷۷ ۳۷۸ ۳۷۹ ۳۸۰ ۳۸۱ ۳۸۲ ۳۸۳ ۳۸۴ ۳۸۵ ۳۸۶ ۳۸۷ ۳۸۸ ۳۸۹ ۳۹۰ ۳۹۱ ۳۹۲ ۳۹۳ ۳۹۴ ۳۹۵ ۳۹۶ ۳۹۷ ۳۹۸ ۳۹۹ ۴۰۰ ۴۰۱ ۴۰۲ ۴۰۳ ۴۰۴ ۴۰۵ ۴۰۶ ۴۰۷ ۴۰۸ ۴۰۹ ۴۱۰ ۴۱۱ ۴۱۲ ۴۱۳ ۴۱۴ ۴۱۵ ۴۱۶ ۴۱۷ ۴۱۸ ۴۱۹ ۴۲۰ ۴۲۱ ۴۲۲ ۴۲۳ ۴۲۴ ۴۲۵ ۴۲۶ ۴۲۷ ۴۲۸ ۴۲۹ ۴۳۰ ۴۳۱ ۴۳۲ ۴۳۳ ۴۳۴ ۴۳۵ ۴۳۶ ۴۳۷ ۴۳۸ ۴۳۹ ۴۴۰ ۴۴۱ ۴۴۲ ۴۴۳ ۴۴۴ ۴۴۵ ۴۴۶ ۴۴۷ ۴۴۸ ۴۴۹ ۴۵۰ ۴۵۱ ۴۵۲ ۴۵۳ ۴۵۴ ۴۵۵ ۴۵۶ ۴۵۷ ۴۵۸ ۴۵۹ ۴۶۰ ۴۶۱ ۴۶۲ ۴۶۳ ۴۶۴ ۴۶۵ ۴۶۶ ۴۶۷ ۴۶۸ ۴۶۹ ۴۷۰ ۴۷۱ ۴۷۲ ۴۷۳ ۴۷۴ ۴۷۵ ۴۷۶ ۴۷۷ ۴۷۸ ۴۷۹ ۴۸۰ ۴۸۱ ۴۸۲ ۴۸۳ ۴۸۴ ۴۸۵ ۴۸۶ ۴۸۷ ۴۸۸ ۴۸۹ ۴۹۰ ۴۹۱ ۴۹۲ ۴۹۳ ۴۹۴ ۴۹۵ ۴۹۶ ۴۹۷ ۴۹۸ ۴۹۹ ۵۰۰ ۵۰۱ ۵۰۲ ۵۰۳ ۵۰۴ ۵۰۵ ۵۰۶ ۵۰۷ ۵۰۸ ۵۰۹ ۵۱۰ ۵۱۱ ۵۱۲ ۵۱۳ ۵۱۴ ۵۱۵ ۵۱۶ ۵۱۷ ۵۱۸ ۵۱۹ ۵۲۰ ۵۲۱ ۵۲۲ ۵۲۳ ۵۲۴ ۵۲۵ ۵۲۶ ۵۲۷ ۵۲۸ ۵۲۹ ۵۳۰ ۵۳۱ ۵۳۲ ۵۳۳ ۵۳۴ ۵۳۵ ۵۳۶ ۵۳۷ ۵۳۸ ۵۳۹ ۵۴۰ ۵۴۱ ۵۴۲ ۵۴۳ ۵۴۴ ۵۴۵ ۵۴۶ ۵۴۷ ۵۴۸ ۵۴۹ ۵۵۰ ۵۵۱ ۵۵۲ ۵۵۳ ۵۵۴ ۵۵۵ ۵۵۶ ۵۵۷ ۵۵۸ ۵۵۹ ۵۶۰ ۵۶۱ ۵۶۲ ۵۶۳ ۵۶۴ ۵۶۵ ۵۶۶ ۵۶۷ ۵۶۸ ۵۶۹ ۵۷۰ ۵۷۱ ۵۷۲ ۵۷۳ ۵۷۴ ۵۷۵ ۵۷۶ ۵۷۷ ۵۷۸ ۵۷۹ ۵۸۰ ۵۸۱ ۵۸۲ ۵۸۳ ۵۸۴ ۵۸۵ ۵۸۶ ۵۸۷ ۵۸۸ ۵۸۹ ۵۹۰ ۵۹۱ ۵۹۲ ۵۹۳ ۵۹۴ ۵۹۵ ۵۹۶ ۵۹۷ ۵۹۸ ۵۹۹ ۶۰۰ ۶۰۱ ۶۰۲ ۶۰۳ ۶۰۴ ۶۰۵ ۶۰۶ ۶۰۷ ۶۰۸ ۶۰۹ ۶۱۰ ۶۱۱ ۶۱۲ ۶۱۳ ۶۱۴ ۶۱۵ ۶۱۶ ۶۱۷ ۶۱۸ ۶۱۹ ۶۲۰ ۶۲۱ ۶۲۲ ۶۲۳ ۶۲۴ ۶۲۵ ۶۲۶ ۶۲۷ ۶۲۸ ۶۲۹ ۶۳۰ ۶۳۱ ۶۳۲ ۶۳۳ ۶۳۴ ۶۳۵ ۶۳۶ ۶۳۷ ۶۳۸ ۶۳۹ ۶۴۰ ۶۴۱ ۶۴۲ ۶۴۳ ۶۴۴ ۶۴۵ ۶۴۶ ۶۴۷ ۶۴۸ ۶۴۹ ۶۵۰ ۶۵۱ ۶۵۲ ۶۵۳ ۶۵۴ ۶۵۵ ۶۵۶ ۶۵۷ ۶۵۸ ۶۵۹ ۶۶۰ ۶۶۱ ۶۶۲ ۶۶۳ ۶۶۴ ۶۶۵ ۶۶۶ ۶۶۷ ۶۶۸ ۶۶۹ ۶۷۰ ۶۷۱ ۶۷۲ ۶۷۳ ۶۷۴ ۶۷۵ ۶۷۶ ۶۷۷ ۶۷۸ ۶۷۹ ۶۸۰ ۶۸۱ ۶۸۲ ۶۸۳ ۶۸۴ ۶۸۵ ۶۸۶ ۶۸۷ ۶۸۸ ۶۸۹ ۶۹۰ ۶۹۱ ۶۹۲ ۶۹۳ ۶۹۴ ۶۹۵ ۶۹۶ ۶۹۷ ۶۹۸ ۶۹۹ ۷۰۰ ۷۰۱ ۷۰۲ ۷۰۳ ۷۰۴ ۷۰۵ ۷۰۶ ۷۰۷ ۷۰۸ ۷۰۹ ۷۱۰ ۷۱۱ ۷۱۲ ۷۱۳ ۷۱۴ ۷۱۵ ۷۱۶ ۷۱۷ ۷۱۸ ۷۱۹ ۷۲۰ ۷۲۱ ۷۲۲ ۷۲۳ ۷۲۴ ۷۲۵ ۷۲۶ ۷۲۷ ۷۲۸ ۷۲۹ ۷۳۰ ۷۳۱ ۷۳۲ ۷۳۳ ۷۳۴ ۷۳۵ ۷۳۶ ۷۳۷ ۷۳۸ ۷۳۹ ۷۴۰ ۷۴۱ ۷۴۲ ۷۴۳ ۷۴۴ ۷۴۵ ۷۴۶ ۷۴۷ ۷۴۸ ۷۴۹ ۷۵۰ ۷۵۱ ۷۵۲ ۷۵۳ ۷۵۴ ۷۵۵ ۷۵۶ ۷۵۷ ۷۵۸ ۷۵۹ ۷۶۰ ۷۶۱ ۷۶۲ ۷۶۳ ۷۶۴ ۷۶۵ ۷۶۶ ۷۶۷ ۷۶۸ ۷۶۹ ۷۷۰ ۷۷۱ ۷۷۲ ۷۷۳ ۷۷۴ ۷۷۵ ۷۷۶ ۷۷۷ ۷۷۸ ۷۷۹ ۷۸۰ ۷۸۱ ۷۸۲ ۷۸۳ ۷۸۴ ۷۸۵ ۷۸۶ ۷۸۷ ۷۸۸ ۷۸۹ ۷۹۰ ۷۹۱ ۷۹۲ ۷۹۳ ۷۹۴ ۷۹۵ ۷۹۶ ۷۹۷ ۷۹۸ ۷۹۹ ۸۰۰ ۸۰۱ ۸۰۲ ۸۰۳ ۸۰۴ ۸۰۵ ۸۰۶ ۸۰۷ ۸۰۸ ۸۰۹ ۸۱۰ ۸۱۱ ۸۱۲ ۸۱۳ ۸۱۴ ۸۱۵ ۸۱۶ ۸۱۷ ۸۱۸ ۸۱۹ ۸۲۰ ۸۲۱ ۸۲۲ ۸۲۳ ۸۲۴ ۸۲۵ ۸۲۶ ۸۲۷ ۸۲۸ ۸۲۹ ۸۳۰ ۸۳۱ ۸۳۲ ۸۳۳ ۸۳۴ ۸۳۵ ۸۳۶ ۸۳۷ ۸۳۸ ۸۳۹ ۸۴۰ ۸۴۱ ۸۴۲ ۸۴۳ ۸۴۴ ۸۴۵ ۸۴۶ ۸۴۷ ۸۴۸ ۸۴۹ ۸۵۰ ۸۵۱ ۸۵۲ ۸۵۳ ۸۵۴ ۸۵۵ ۸۵۶ ۸۵۷ ۸۵۸ ۸۵۹ ۸۶۰ ۸۶۱ ۸۶۲ ۸۶۳ ۸۶۴ ۸۶۵ ۸۶۶ ۸۶۷ ۸۶۸ ۸۶۹ ۸۷۰ ۸۷۱ ۸۷۲ ۸۷۳ ۸۷۴ ۸۷۵ ۸۷۶ ۸۷۷ ۸۷۸ ۸۷۹ ۸۸۰ ۸۸۱ ۸۸۲ ۸۸۳ ۸۸۴ ۸۸۵ ۸۸۶ ۸۸۷ ۸۸۸ ۸۸۹ ۸۹۰ ۸۹۱ ۸۹۲ ۸۹۳ ۸۹۴ ۸۹۵ ۸۹۶ ۸۹۷ ۸۹۸ ۸۹۹ ۹۰۰ ۹۰۱ ۹۰۲ ۹۰۳ ۹۰۴ ۹۰۵ ۹۰۶ ۹۰۷ ۹۰۸ ۹۰۹ ۹۱۰ ۹۱۱ ۹۱۲ ۹۱۳ ۹۱۴ ۹۱۵ ۹۱۶ ۹۱۷ ۹۱۸ ۹۱۹ ۹۲۰ ۹۲۱ ۹۲۲ ۹۲۳ ۹۲۴ ۹۲۵ ۹۲۶ ۹۲۷ ۹۲۸ ۹۲۹ ۹۳۰ ۹۳۱ ۹۳۲ ۹۳۳ ۹۳۴ ۹۳۵ ۹۳۶ ۹۳۷ ۹۳۸ ۹۳۹ ۹۴۰ ۹۴۱ ۹۴۲ ۹۴۳ ۹۴۴ ۹۴۵ ۹۴۶ ۹۴۷ ۹۴۸ ۹۴۹ ۹۵۰ ۹۵۱ ۹۵۲ ۹۵۳ ۹۵۴ ۹۵۵ ۹۵۶ ۹۵۷ ۹۵۸ ۹۵۹ ۹۶۰ ۹۶۱ ۹۶۲ ۹۶۳ ۹۶۴ ۹۶۵ ۹۶۶ ۹۶۷ ۹۶۸ ۹۶۹ ۹۷۰ ۹۷۱ ۹۷۲ ۹۷۳ ۹۷۴ ۹۷۵ ۹۷۶ ۹۷۷ ۹۷۸ ۹۷۹ ۹۸۰ ۹۸۱ ۹۸۲ ۹۸۳ ۹۸۴ ۹۸۵ ۹۸۶ ۹۸۷ ۹۸۸ ۹۸۹ ۹۹۰ ۹۹۱ ۹۹۲ ۹۹۳ ۹۹۴ ۹۹۵ ۹۹۶ ۹۹۷ ۹۹۸ ۹۹۹ ۱۰۰۰

۱۲۵

ع

دوستی است که سدهای گزیده گوید

ع

دشمنی است

دشمنی است

دشمنی نام دردی عاشق جدا

دشمنی نام دردی عاشق جدا

دشمنی نام دردی عاشق جدا

دشمنی نام دردی عاشق جدا

ع

دشمنی نام دردی عاشق جدا

ع

دشمنی نام دردی عاشق جدا

دشمنی نام دردی عاشق جدا

دشمنی نام دردی عاشق جدا

دشمنی نام دردی عاشق جدا

دشمنی نام دردی عاشق جدا

ع

دشمنی نام دردی عاشق جدا

دشمنی نام دردی عاشق جدا

دشمنی نام دردی عاشق جدا

دشمنی نام دردی عاشق جدا

دشمنی نام دردی عاشق جدا

دشمنی نام دردی عاشق جدا

دشمنی نام دردی عاشق جدا

دشمنی نام دردی عاشق جدا

دشمنی نام دردی عاشق جدا

۱۳۶

ش

چودریج اجماری اختر.

ک

پیر کت نام طبعی از محمد علی

ج

پیر سلطان کوس منگ و مرغان بخارا اموی بغداد مایه، و بیاطر نام قومی و دلازمین است
پان کاند

ز

پیر سلطان رحیمی لرحوب است
پیر خاتون مرده دینی، مکی مستخرج
گوزنی

پیدا شد اولادیم او در آستانک در حدی و در فایک کوس است و آن آفرین بود است از فرس
و آن در از تری است است و هم یک

ح

پیش پ گوه ارسلک
پیش پ شاه روملین
پیش پ کک

ط

پیش پ در وقت جناسش در کج هر سواد کوی

شاه ک هرین مانده

شاه موی ۲ ۶۶ صفا و آنکه که در پس درع است صفا و غیره موی صفا

شاه موی ۲ ۲۶۱ شاه ایضا ۲۷

شاه درک ۱۳۲۱ الهیوره ۳۲۹ پیر خاتون بخارا مایه مرده دینی، مکی مستخرج ۲ ۲۷۳

شاه ک گوه ایست مستخرج که در آقا آن با است، استخفد گوه ایست مستخرج که در آقا آن با است

شاه موی ۲ ۲۷۷ صفا و آنکه که در پس است صفا و آنکه که در پس است

شاه موی ۲ ۲۷۸ شاه ایضا

شاه ۳ پیش پ صفا و آنکه که در پس است صفا و آنکه که در پس است

شاه صفا و آنکه که در پس است صفا و آنکه که در پس است

شاه در وقت جناسش در کج هر سواد کوی

۱۳۷

ع

ببرونج سایه نرگ، بیدار و بروج و بروج بر کچند آن موم گیاست

ع

یا فونج نرگ سر

ع

ببرونج دارونی است، احسن گیاه و کبر بر نفع است، بادریوی، استرم، حشر، لاجیم،

صلیبستان، حله درانه، ما پودانه

ع

ببرونج نالی، بدبخت و بوی ساس، موزکالی و درواں کهنکر

یا فونج رستان

ع

ببرونج سسکی است سر که مین ساس، اذین برقی

۱۳۷
 ع
 بیدار و بروج و بروج بر کچند آن موم گیاست
 ع
 یا فونج نرگ سر
 ع
 بیدارونی است، احسن گیاه و کبر بر نفع است، بادریوی، استرم، حشر، لاجیم،
 صلیبستان، حله درانه، ما پودانه
 ع
 بیدار نالی، بدبخت و بوی ساس، موزکالی و درواں کهنکر
 یا فونج رستان
 ع
 بیدار سسکی است سر که مین ساس، اذین برقی

بخش هشتم
در لغات روی و یونانی [پرشانزده گوته]

گونه الف - ب

آب^۱ آب آفرین ماده تابستانی است

ب^۱

استقسات^۱ اکهن پس طایع اود

ب^۲

آب^۲ آب آفرین ماه است ا ب

ب^۳

استقسات^۲ ماده بر چوبی

ب^۴

استقسات^۳ اکهن پس ا ب در کج پوس و بجزا

ب^۵

آب^۳ آب آفرین ماه است ا ب

ب^۶

آب^۴ آب آفرین ماه است

آب^۵ آب آفرین ماه است ا ب

- ب^۱ آب آفرین ماه است ا ب
- ب^۲ آب آفرین ماه است ا ب
- ب^۳ آب آفرین ماه است ا ب
- ب^۴ آب آفرین ماه است ا ب
- ب^۵ آب آفرین ماه است ا ب
- ب^۶ آب آفرین ماه است ا ب
- ب^۷ آب آفرین ماه است ا ب
- ب^۸ آب آفرین ماه است ا ب
- ب^۹ آب آفرین ماه است ا ب
- ب^{۱۰} آب آفرین ماه است ا ب
- ب^{۱۱} آب آفرین ماه است ا ب
- ب^{۱۲} آب آفرین ماه است ا ب
- ب^{۱۳} آب آفرین ماه است ا ب
- ب^{۱۴} آب آفرین ماه است ا ب
- ب^{۱۵} آب آفرین ماه است ا ب
- ب^{۱۶} آب آفرین ماه است ا ب
- ب^{۱۷} آب آفرین ماه است ا ب
- ب^{۱۸} آب آفرین ماه است ا ب
- ب^{۱۹} آب آفرین ماه است ا ب
- ب^{۲۰} آب آفرین ماه است ا ب
- ب^{۲۱} آب آفرین ماه است ا ب
- ب^{۲۲} آب آفرین ماه است ا ب
- ب^{۲۳} آب آفرین ماه است ا ب
- ب^{۲۴} آب آفرین ماه است ا ب
- ب^{۲۵} آب آفرین ماه است ا ب
- ب^{۲۶} آب آفرین ماه است ا ب
- ب^{۲۷} آب آفرین ماه است ا ب
- ب^{۲۸} آب آفرین ماه است ا ب
- ب^{۲۹} آب آفرین ماه است ا ب
- ب^{۳۰} آب آفرین ماه است ا ب

برکتوری گوئی منسوب است چرا که بلاد هندکتور رحل است. غده چین کشور هستری است چو ترک
کشور مزخ است و بلاد و اسان کشور منس است و بلاد ماوراءالنهر کشور ربه است و بلاد روم کن
عقلاو است و بلاد پنج کشور فر است

ن

المطالون نام یکی یونانی
ابوظنون مدیست در میان ما گوید رخ مر میرا گوید چون ملک و عملا و جنگ و نمود و از من بر گوید
اکسون حله الریشی چون مجلس

گوته اب - مس

برفس کلیم ترسایان
بطلیوس نام یکی در استانی و نام دادستان
بلیستاش نام یکی است که هم او را محمد اول گویند و او صاحب فلسط است

ج

بطریق نام در ترسایان است

گوته مت - س

قشنتاش نام یونانی است و قشنتاش در اول و کشید آثار و جمع باجهاد بنیان را یکی علم کرده است
در قشنتاش در کابون دیس آنکه شاط آرد و بسالی و ای است
هر یونان و قش و آفت و اجول کند رکنش که درین یادگار است

نام یک عرب که در ۶۶۶ هج. با شقده سعید است
نام سیرا ۶۷ هج. در ۱۱۵ هج. که با شقده گوته روم کرد و آثارش با است
نام یک با شقده برسی و آنکه برسی کردانی سیرا ۱۶۹ هج. ۱۶۱۴ هج. رگ - ۶۶۶
نام کردانی سیرا با شقده سیرا ۱۶۲ هج. در رسی در استانی. هج. ۳۲۹ هج. رگ در سراسر بطلیوس
(Ptolemaeus) سیرا ۱۰ هج. بطلیوس - ۱۰ و در شاه اس سلسله مطلقان بنی راشد (سیرا ۱۰ هج. ۶۷۰-۶۷۲)
نام یک سیرا ۱۰۲ هج. در ۲۰۸ هج.
نام یک با شقده گوته سیرا که در آثارش با است
نام رسی سیرا ۱۰۲ هج. در سیرا رگ که در آثارش سیرا ۱۰۲ هج. ۳۲۲ هج. ۲۷

سه ماه ازین عرب است . و بطل وقت بی اهل . ترمین تا آخر مه ماه زمان است کلاون اهل و کلاون
آخر وسط و سه ماه ربیع است آورده میان و یار و سه ماه تابستان است هر دای و تم و آب

تور میاگی اراجهای تابستان

گونه ریح - ل

جنطیاناً ما یترت که اهل او را عطش تک شسته بود

قی

چاشنیق فام و طام ترمایان بود

ن

جنطیاناً هم مگر اریان بود

گونه ریح - ن

هرزیدان اول ماه است تابستان

گونه سن - ل

سکوباً هم روی است اریان که در او هر دای است

تی

سوکت سه ارج حرات ن سوسطانت قومی طلاء ریح

گونه شش - ل

شیشیقا صفا ترمایان

شده که تا نقد گونه چهارم که در تار آن هم است

شده ۵۱۳ ص ۵۷۰ خطبه اصل خطه روی است (طایفه) که دعای گویند الصیده ۱۳۳ خطه بار طلدی

گونه و شنگ و لندیه یکم است

شده ایروایت در الصیده ۵۲ است انام مکه عطش نوشنده

شده صوره ۲۹۹ شده که چند گونه هم که در آغار آن سس است

شده صوره ۱ ۵۷۱ ص ۱۵۴ شده که عروا طارد

شده یک صوره ۱ ۵۱۳ خطه سوک شده یک ایضا ۵۴ خطه سوطانیه

شده که در نقد گونه چشم که در آغار آن سس است شده درک صوره ۱ ۵۱۵ ص ۲ ۱۲۶

شده بران مگر اصحاب عرب میس حال - سب اللیس اسی و ص - تصدیق الصاد و شیشیا

۱۶۱

س

شما ستر ترسایان

ط

شہا ط لہ بھابھا است و آن آفرین ماہ رحمتیں است
گوئے ط - عیس

طوریستوس رنگ تھلیان

گوئے ط - ر

حضرت میا در سنت میں حاکم و آگہ و آتش کے بیتان را حاضر در گوید

گوئے ط - عیس

فیلا توش ماں ماوتھا آں بوان چہ سکندہ و مین آتشیں بر گوید و گنت اند اس آبروست و مین بکر مین

ہیر بکر و میاہ سالار

فردوس آتش بسیار رحمت که او اراج میوه و گل و سرود و آب ماند

ق

فیلسوف حکیم و کوز و کوزہ سنی میلا و دست و سنی سوئی کت است و سنی آن کہ دو دستار حکمت وضع او مکتب

آین اصل بیلا سوئی بود نسبت مین آبی

گوئے ق - ا

قصطاً ہم بھیجیں و ہم کنای کہ آرام درو درو چاند

شہ کہ حواں درو سے در سار میں کیسا گویا اور درو کا میں خود درک برہن ۳ ۱۳۴۲ مین و حواں

شہ کہ ہاتھ گوز ہستم سے ۳۴۲ ۲۰۰ برہن ۳ ۱۳۴۲

شہ کہ چاند گوز ہستم کہ آہ آہ کن است

شہ ۲۴۲ ۳۵۵ فیلا توش بر بکر مین ہم بندہ و توشی کہ نولہ و ستانی بر بکر مین ۳۰۰ برہن ۳ ۱۳۴۲ فیلا توش ہم

یاد تہ ۲۴۲ ۱۶۲ ہم برہن است انا و کتر مین در حواں تہ مکتب انا و کتر مین خود درو کہ

Philosophy پرانی سنی در ستارہ و ستانی است

شہ کہ برہن کہ فیلا توش بر بکر مین سے رنگ ۳۴۲ ۲۰۰ سے ۳۴۲ ۲۰۰

شہ کہ ہاتھ گوز ہستم کہ آرام کہ آہ آہ کن تہ است

شہ کہ برہن ۳ ۱۳۴۲

۱۳۳

ش

قبیله شاه امام، عالم ترسایان

ش

قانون سادیت ارتش صومالیان و اصل بهترین مردم

قطیفین امام دشتای، است که شهر قطیف، بلاد است که در الملک دم است

گوزنک شش

کشتی شاه مده ساپان بود، او معروف است

گوزنک شش

گوزنک شش

لوشا امام یکس

گوزنک شش

ملک امام مدی صاحب دست ترسایان بود

ش

ماریه محبوب امام مروی پیشوای ترسایان

ط

مسطح امام یکس

- شاه که در میان بود شاه دگ فرزند ۵۶ شاه ۲۰۲ ۳۳
- شاه قطیفین امام مدی از امیر توانای مردم، کشتی مروی در ۶۶ سال پس از ۲۲۳ م در این پیشوای گردید و نام
- کشتی مروی امام قطیف، مدی در ۳۳۷ م فوت شد (مجلس ۶ ۱۵۶۳-۱۵۶۰)
- شاه که از تیره گوزن، پسر گوزن آمد آن کافر است
- شاه برابان ۳ ۱۶۵۷ پنجاه و یک صاعی پشته، محبوب قبیله
- شاه که، تاشند گوزن دارد مکره و تار آن سم است
- شاه برابان ۳ ۱۵۱۳ است امام یکس بود مدی در وصف کشتی مروی که گوزن و نامک و نامک بود
- دوستان بود، دگ رنگ و ستن در این در جنگ
- شاه برابان ۳ ۱۹۱۵ لوشا امام مدی قطیف بود، دگ قطیف صومالیان در جنگ
- شاه که، تاشند گوزن دارد مکره که آمد آن سم است
- شاه ملک و طرا امام بخنده دست ترسایان ۵ برابان ۳ ۲۶ ۲۴
- شاه دگ برابان ۳ ۱۹۳۶ شاه ایضا ۳۰ ۱۹۵۸

۱۳۶

مؤلف: ام نوسالی است که در ادب و سحر است مطهرین حاکم ترسایان

موضوع: مکتب آهنگ و گوید افکوس است و آن مای است مایکس که را. نوسالیان آرا و مردان ویر سید و
مکتبها و آری سمناسد

مکتبها و آری سمناسد

۱۳۷

مؤلف: ام نوسالی است که در ادب و سحر است مطهرین حاکم ترسایان

موضوع: مکتب آهنگ و گوید افکوس است و آن مای است مایکس که را. نوسالیان آرا و مردان ویر سید و
مکتبها و آری سمناسد

۱۳۸

مؤلف: ام نوسالی است که در ادب و سحر است مطهرین حاکم ترسایان

مؤلف: ام نوسالی است که در ادب و سحر است مطهرین حاکم ترسایان

۱۳۹

مؤلف: ام نوسالی است که در ادب و سحر است مطهرین حاکم ترسایان

مؤلف: ام نوسالی است که در ادب و سحر است مطهرین حاکم ترسایان

مؤلف: ام نوسالی است که در ادب و سحر است مطهرین حاکم ترسایان

مؤلف: ام نوسالی است که در ادب و سحر است مطهرین حاکم ترسایان

مؤلف: ام نوسالی است که در ادب و سحر است مطهرین حاکم ترسایان

مؤلف: ام نوسالی است که در ادب و سحر است مطهرین حاکم ترسایان

مؤلف: ام نوسالی است که در ادب و سحر است مطهرین حاکم ترسایان

مؤلف: ام نوسالی است که در ادب و سحر است مطهرین حاکم ترسایان

مؤلف: ام نوسالی است که در ادب و سحر است مطهرین حاکم ترسایان

مؤلف: ام نوسالی است که در ادب و سحر است مطهرین حاکم ترسایان

مؤلف: ام نوسالی است که در ادب و سحر است مطهرین حاکم ترسایان

مؤلف: ام نوسالی است که در ادب و سحر است مطهرین حاکم ترسایان

مؤلف: ام نوسالی است که در ادب و سحر است مطهرین حاکم ترسایان

مؤلف: ام نوسالی است که در ادب و سحر است مطهرین حاکم ترسایان

۱۶۴

س

پزشک نام یکی مردک است و گوید که با اسان او میس علی السلام را گفتندی که حساب و صح که بود

ل

بر کل پادشاه نام

که که مورد ۲۶۵

که که بودی ما

که در نام و ت سب صس و ۲۶۶ (Heracles) در جابره ای دم سری ۶۶۲۶

بخش هشتم
در لغات ترکی برهمنده گویند است

گویند نخست که در آغاز آلف است

آب	آب
آبگ	آبگ
آبگ	آبگ
آبگ	آبگ
آبگ	آبگ
آبگ	آبگ

(شده)

آبگ	آبگ
آبگ	آبگ
آبگ	آبگ
آبگ	آبگ
آبگ	آبگ
آبگ	آبگ

شده می‌باشد و در کتاب تفسیر شماره ۱۰۰ در بخش برهمنده گویند است که در
شده تفسیر ۱۰۰ آلف که در ۹۰ موران ۶۰ شده بود یعنی شده ایضا
شده ایضا در ۶۰ شده بود چنانچه تفسیر لیکلاس شده رک شرفاء (سوا) ایضا
شده ایضا تاخیر ۱۰ شده شرفاء و سوا ایضا شده بود ایضا
شده تاخیر ایضا . مورد ۱۰ آت (مورد ۵۰) اسپه که در شرفاء در اولت می‌گفته است،
دختر بریم می‌شود که در ۱۰ شرفاء، سوا ایضا، موران ۶۵
آت است

شده سوا اصل است . اما شرفاء و سوا ۶۵ که در شرفاء
شده تاخیر است . شرفاء و سوا اصل ۱۰۰ است که در شرفاء که در اولت می‌گفته است
شده که در شرفاء، سوا آت مورد ۵۰ است
شده که در شرفاء، سوا ۱۰ آت بر می‌گردد . در شرفاء و سوا می‌گفته است
د سوا ۱۰ آت بر می‌گردد تاخیر است

اوست کوج	اوست ید
اوزت محول	اوست گومت دنگ (سج)
اوزکای حق	اوست بیتپال
افانج دوت	اوست سره
اودکونج کوبان	اوست دیک بکس
اویج سه	اوست ۵۵
اوجاچ مست	

(د)

اورد و اورد کنگ وری

(ر)

اویج بروری	اوست سره
اویج سه	اوست کورال
اویج اندل	اوست وک باور

له تاتقده هلسه سووا ۶ اوست کوج ۱۱ له ۱۲ اوست گومت کرابی اوست وک دولت ۱۰
 سووا ۱۷ دولت اوست نامده (ضمیمه) ۱ له سووا ۱۸ تاتقده اوست
 له سووچ بسا اوست ایت نامده کورال گومت ۱۱ له سووا ۲۰ اوست
 له سووچ ۲۱ له اوست ۲۲ له سووچ اوست تاتقده اوست (نامده)
 له تاتقده اوست گرابی سووچ ۲۳ له سووچ سر
 له سووچ اوست سووچ اوست تاتقده اوست ۲۴ له سووچ اوست
 له سووچ اوست کانه ۲۵ له گرابی سووچ سووچ ۲۶ اوست تاتقده اوست
 له سووچ ۲۷ اوست نامده سووچ گرابی اوست سووچ سووچ اوست سووچ سووچ
 گرابی سووچ سووچ سووچ سووچ سووچ سووچ سووچ سووچ سووچ سووچ
 له سووچ اوست کنگ وری ۲۸ له سووچ سووچ سووچ سووچ سووچ سووچ
 له سووچ سووچ سووچ سووچ سووچ سووچ سووچ سووچ سووچ سووچ سووچ
 له سووچ سووچ سووچ سووچ سووچ سووچ سووچ سووچ سووچ سووچ سووچ
 له سووچ سووچ سووچ سووچ سووچ سووچ سووچ سووچ سووچ سووچ سووچ
 له سووچ سووچ سووچ سووچ سووچ سووچ سووچ سووچ سووچ سووچ سووچ

۱۳۷

آوردن فرزند	لینڈے گمش
اوجاڑ مارا	او کوڑ موم
ایٹھڑ مار دیکر	آیتھے زینا
ایٹھڑ آرنی و آسجھال	اخرے کمران
(س)	
نہ ایک	اقرے دیان
نہ پھرے ایک	او کوڑے برکاه و جیوں
	سیرے بیان و ج
(س)	

اسی سے قائم و آن پرستی است سہ

اوزیش جان و تن و سر	آتشے حرولی
اوشن سے تست	اورے شلے حک
(س)	

۱۔ ماشقہ دیوگس ، ب ک گش ، سد و ب گشش
 ۲۔ سوسج گش (۱۳۶) ۳۔ شے کہ اور واد تاغند ، ۴۔ اوکد ۵۔
 ۶۔ ک سردا ۷۔ شے این مزہ ، ۸۔ دیب ۹۔ شے کہ ادر
 ۱۰۔ ہار و ایس ہار صھر ۱۱۔ شے ۱۲۔ ۱۳۔
 ۱۴۔ سردا ۱۵۔ ک ، چنقد ید نس آنا آمان ۱۶۔ ۱۷۔ ۱۸۔ ۱۹۔ ۲۰۔ ۲۱۔ ۲۲۔ ۲۳۔ ۲۴۔
 ۲۵۔ ۲۶۔ ۲۷۔ ۲۸۔ ۲۹۔ ۳۰۔ ۳۱۔ ۳۲۔ ۳۳۔ ۳۴۔ ۳۵۔ ۳۶۔ ۳۷۔ ۳۸۔ ۳۹۔ ۴۰۔
 ۴۱۔ ۴۲۔ ۴۳۔ ۴۴۔ ۴۵۔ ۴۶۔ ۴۷۔ ۴۸۔ ۴۹۔ ۵۰۔ ۵۱۔ ۵۲۔ ۵۳۔ ۵۴۔ ۵۵۔ ۵۶۔ ۵۷۔ ۵۸۔ ۵۹۔ ۶۰۔
 ۶۱۔ ۶۲۔ ۶۳۔ ۶۴۔ ۶۵۔ ۶۶۔ ۶۷۔ ۶۸۔ ۶۹۔ ۷۰۔ ۷۱۔ ۷۲۔ ۷۳۔ ۷۴۔ ۷۵۔ ۷۶۔ ۷۷۔ ۷۸۔ ۷۹۔ ۸۰۔
 ۸۱۔ ۸۲۔ ۸۳۔ ۸۴۔ ۸۵۔ ۸۶۔ ۸۷۔ ۸۸۔ ۸۹۔ ۹۰۔ ۹۱۔ ۹۲۔ ۹۳۔ ۹۴۔ ۹۵۔ ۹۶۔ ۹۷۔ ۹۸۔ ۹۹۔ ۱۰۰۔
 ۱۰۱۔ ۱۰۲۔ ۱۰۳۔ ۱۰۴۔ ۱۰۵۔ ۱۰۶۔ ۱۰۷۔ ۱۰۸۔ ۱۰۹۔ ۱۱۰۔ ۱۱۱۔ ۱۱۲۔ ۱۱۳۔ ۱۱۴۔ ۱۱۵۔ ۱۱۶۔ ۱۱۷۔ ۱۱۸۔ ۱۱۹۔ ۱۲۰۔
 ۱۲۱۔ ۱۲۲۔ ۱۲۳۔ ۱۲۴۔ ۱۲۵۔ ۱۲۶۔ ۱۲۷۔ ۱۲۸۔ ۱۲۹۔ ۱۳۰۔ ۱۳۱۔ ۱۳۲۔ ۱۳۳۔ ۱۳۴۔ ۱۳۵۔ ۱۳۶۔ ۱۳۷۔ ۱۳۸۔ ۱۳۹۔ ۱۴۰۔
 ۱۴۱۔ ۱۴۲۔ ۱۴۳۔ ۱۴۴۔ ۱۴۵۔ ۱۴۶۔ ۱۴۷۔ ۱۴۸۔ ۱۴۹۔ ۱۵۰۔ ۱۵۱۔ ۱۵۲۔ ۱۵۳۔ ۱۵۴۔ ۱۵۵۔ ۱۵۶۔ ۱۵۷۔ ۱۵۸۔ ۱۵۹۔ ۱۶۰۔
 ۱۶۱۔ ۱۶۲۔ ۱۶۳۔ ۱۶۴۔ ۱۶۵۔ ۱۶۶۔ ۱۶۷۔ ۱۶۸۔ ۱۶۹۔ ۱۷۰۔ ۱۷۱۔ ۱۷۲۔ ۱۷۳۔ ۱۷۴۔ ۱۷۵۔ ۱۷۶۔ ۱۷۷۔ ۱۷۸۔ ۱۷۹۔ ۱۸۰۔
 ۱۸۱۔ ۱۸۲۔ ۱۸۳۔ ۱۸۴۔ ۱۸۵۔ ۱۸۶۔ ۱۸۷۔ ۱۸۸۔ ۱۸۹۔ ۱۹۰۔ ۱۹۱۔ ۱۹۲۔ ۱۹۳۔ ۱۹۴۔ ۱۹۵۔ ۱۹۶۔ ۱۹۷۔ ۱۹۸۔ ۱۹۹۔ ۲۰۰۔

آینہ طاق	اورنہ عوی
اوردن چھ ساق	انطلاق چھ عدلن و ر سرہ رعال
اوشارن چھ عرضن کرن	اشتیق چھ ستانگ
افسانہ لکھ	ارفاق چھ ریاوت
ایرلہ کعبن	اوچنتلاق چھ سرورک
ایقن چھ جتن	آق چھ سبید
	ایاقن چھ بای

(ک)

انگک چھ حصارہ	کد رنگ چھ تنقید است سبب ترار صوف
انگک چھ دست	اوزانگ چھ رکھلن
اوکڑ رنگ چھ آروشن لکھ	ارکانگ چھ ہکنت
انگک چھ روی و شہرہ ولایت	اکسوک چھ لہ

شے سویدا چھ منی گورب کواڑ خان کوا بوستہ وایح است کرم صوف جی اند بزرگ وپھ لکھ
انگک و عوی لکھ

شے عوی ایسا صی وازہ کواڑا ناں گوا آدوہ شے سویدا ایسا صی ماہ کواڑا دھان کوا بوستہ
شے ب ایقن، انگ، جتن، سویدا بودن صی سساق
شے رگ سویدا ۵۰ ک تاخذہ اسق شروہر اشتیق شے ۴ ایسا
شے شروہر سویدا ایسا اوقن ریاوت تاخذہ اوقن ک جی اشق شے سویدا تاخذہ اسحاق
شے ب کلمہ تاخذہ کہ نا صویدا ۵ انگ کواڑا دھان کوا
شے سویدا ۵ اوصلوق سر مردوخن ویدان رگ اوصلوق رگ
شے سویدا ایسا صی ماہ کواڑا دھان کوا بوستہ شے عوی ایسا شے سویدا ایسا
شے ب ایس وایہ انماہ تاخذہ نای ک لاقن بے ایقن بای
شے لہ عویاں عاود شے سویدا ۵۳ شے لواقن کاشفہ لہ سویدا ۵۴ اک
شے سویدا ۵۵ شے سویدا ۵۶ شے سویدا ایسا تاخذہ ارنگک
شے ک تاخذہ انوکہ رگ، سویدا ۵۷ اوسل شے ب آپو
شے ک اک پاک شے سویدا ۵۸ صوف ک
شے سویدا ۵۹ ایک
شے سویدا ۶۰ وایم ولایقن برنگ ک شہراک باج دھان ۶۱ سویدا

اوجکته سوزه	اوجکته نان
اوجکته ران	اوجکته دامن
اوجکته تپاه	اوجکته پیش
اوجکته سر	اوردو کته مغلل
اوجکته سیاری	اوردو کته وقت ما چیشینه
اوجکته مره	اوجکته سیم
اوجکته مال	اوجکته نام
	اوجکته سوز

ل

اول سوز اسب	اول سوز کوفت
اول سوز بره	اول سوز وقت ما چیشینه
اول سوز دامن	اول سوز سر

سوز مویه ۵۲۵، یک انگلیس
 سوز مویه ۵۳۱، سوز اسب و کوفت
 سوز مویه ۵۳۲، سوز اسب و کوفت
 سوز مویه ۵۳۳، سوز اسب و کوفت
 سوز مویه ۵۳۴، سوز اسب و کوفت
 سوز مویه ۵۳۵، سوز اسب و کوفت
 سوز مویه ۵۳۶، سوز اسب و کوفت
 سوز مویه ۵۳۷، سوز اسب و کوفت
 سوز مویه ۵۳۸، سوز اسب و کوفت
 سوز مویه ۵۳۹، سوز اسب و کوفت
 سوز مویه ۵۴۰، سوز اسب و کوفت
 سوز مویه ۵۴۱، سوز اسب و کوفت
 سوز مویه ۵۴۲، سوز اسب و کوفت
 سوز مویه ۵۴۳، سوز اسب و کوفت
 سوز مویه ۵۴۴، سوز اسب و کوفت
 سوز مویه ۵۴۵، سوز اسب و کوفت
 سوز مویه ۵۴۶، سوز اسب و کوفت
 سوز مویه ۵۴۷، سوز اسب و کوفت
 سوز مویه ۵۴۸، سوز اسب و کوفت
 سوز مویه ۵۴۹، سوز اسب و کوفت
 سوز مویه ۵۵۰، سوز اسب و کوفت
 سوز مویه ۵۵۱، سوز اسب و کوفت
 سوز مویه ۵۵۲، سوز اسب و کوفت
 سوز مویه ۵۵۳، سوز اسب و کوفت
 سوز مویه ۵۵۴، سوز اسب و کوفت
 سوز مویه ۵۵۵، سوز اسب و کوفت
 سوز مویه ۵۵۶، سوز اسب و کوفت
 سوز مویه ۵۵۷، سوز اسب و کوفت
 سوز مویه ۵۵۸، سوز اسب و کوفت
 سوز مویه ۵۵۹، سوز اسب و کوفت
 سوز مویه ۵۶۰، سوز اسب و کوفت

دکتر علی کوشک	ادبیات معاصر
ادبیات معاصر	ادبیات معاصر
ادبیات معاصر	ادبیات معاصر
ادبیات معاصر	ادبیات معاصر
ادبیات معاصر	ادبیات معاصر
ادبیات معاصر	ادبیات معاصر
ادبیات معاصر	ادبیات معاصر
ادبیات معاصر	ادبیات معاصر
ادبیات معاصر	ادبیات معاصر
ادبیات معاصر	ادبیات معاصر
ادبیات معاصر	ادبیات معاصر
ادبیات معاصر	ادبیات معاصر
ادبیات معاصر	ادبیات معاصر
ادبیات معاصر	ادبیات معاصر

و

ادبیات معاصر	ادبیات معاصر
ادبیات معاصر	ادبیات معاصر
ادبیات معاصر	ادبیات معاصر

و

ادبیات معاصر

سید علی و ...
 سید علی و ...
 سید علی و ...
 سید علی و ...
 سید علی و ...
 سید علی و ...
 سید علی و ...
 سید علی و ...
 سید علی و ...
 سید علی و ...

سید علی و ...
 سید علی و ...

اوکرتہ رشتہ	انگلتے بس تھا
اور مجھ سب	اوپرینہ سے ساروئے
اور پتہ حلقہ گوش	اوزر شہ توتہ
آئی شہ ہاتھاب	اوپرکی شہ عداء
ایکجی شہ راور سردگ	اوپر کی شہ
اکائی شہ وار ستر	لوسی شہ بروکنر
ایر لاری شہ سروگوش	اوپر کی شہ حلقی دار
اری شہ در ا سور	اوپر کی شہ بیاتہ
اوپر کی شہ گشاہ	اس کی شہ
ای شہ اکتہ	اہلی شہ
اوسی شہ سواد	الاش شہ سلح اور
اہلی شہ شس	ایکی شہ دوا

شہ جہ ص ۱۰۰ دانا یک اور
 شہ ب لوتہ ص ۱۰۰ اور ج ہ
 شہ سوہ مسلح سلطان - سوہ شہ ہاشمو دوم شہ س لوتہ
 شہ ص ۱۰۰ ہاشمو امرت ل اور شہ ک ہاد شہ ص ۱۰۰ اور
 شہ تداہ ص ۱۰۰ ان ہاد شہ بی اچی ہاشمو وکی شہ سلطان شہاروک و صید
 شہ ص ۱۰۰ اچی مشہ سلطان ہر سوہ شہ شہ ص ۱۰۰ اور ہاد و ص ۱۰۰
 شہ پ وک شہ فی اس ہاشمو دہی ص ۱۰۰ اور شہ ص ۱۰۰
 شہ ص ۱۰۰ اور ص ۱۰۰ ہاد شہ ک فی اس
 شہ ص ۱۰۰ اور ص ۱۰۰ ہاشمو
 شہ ہاشمو اسی کہ ہاشمو و ص ۱۰۰ اور ص ۱۰۰ شہ ہاشمو
 شہ ص ۱۰۰ اور ص ۱۰۰ شہ ص ۱۰۰ اور ص ۱۰۰ شہ ص ۱۰۰ اور ص ۱۰۰
 شہ ص ۱۰۰ اور ص ۱۰۰ شہ ص ۱۰۰ اور ص ۱۰۰ شہ ص ۱۰۰ اور ص ۱۰۰
 شہ ص ۱۰۰ اور ص ۱۰۰ شہ ص ۱۰۰ اور ص ۱۰۰ شہ ص ۱۰۰ اور ص ۱۰۰
 شہ ص ۱۰۰ اور ص ۱۰۰ شہ ص ۱۰۰ اور ص ۱۰۰ شہ ص ۱۰۰ اور ص ۱۰۰

یکٹ عام	یکٹ ع
یکٹ بیٹ	بورکٹ سہ
یکٹ ہیر	یکٹ د
بیلزاکت جنت وری	پینگٹ آستیں
	بیلزاکت ستوں

ل

پلٹ مکیں

م

برمٹ عید

ن

بارٹ عیارٹ	بتورگٹن بیدا آمدہ
برجٹ پورٹوشتی	پونٹن گویں
بلی ضسٹ عید	پسٹن برج
برگردن کوپہ بریں	پلدن جرتن رٹ
پونٹن ارور	بانٹن سٹ سکوں

→ سے سورجی دنہ راہدو سے شہار، سورج ۱۵۳ تک واس (بورگ)

سے سورج ایسا یک ورتنگ اگھر آستیں دستک سے سورج عید

سے سورج ۱۵۶ یک سم بیت، ازورہ سٹ ایرو سم سٹ سے شہار سک مسی دج

سے سورج ایسا ایلخ ہیر، رگ شہار سے سورج ایسا مہتک آستیں

سے سورج عید، تاشقند سٹارک دستک ورتنگ سے سورج عید

سے رگ سورج ۱۵۶، تاشقند سورج عید سے رگ شہار، سورج ۱۵۶، بیریوکل مسی مسی آمدہ

سے سورج ایسا، تاشقند ہی گویں سے جہا شہار ہی اور تاشقند

سے سورج ایسا مس برج، تاشقند برج سے تاشقند مالوں سٹارک

سے رطلن ۱۵۶ برج سٹارک سے یہ ہی مس

سے رگ شہار، سورج ۱۵۶ سٹارک سے رگ شہار، عا سورج ایسا وکوں گور، تاشقند

لوکریں دیں

سے سورج ایسا سے شہار ایسا

برای: ماه گاه

بیت: موسسه

بیت: میر

باز: پی

بکس: صوفی

بندی: گزیم

بوری: کرگ

بسنوی: سینه

برون: الهی، خرمالی

بی: کی

گون: (سوم) است: ست

تور: چهار

تست: بکر

تسج: طبع

راج

توکر: خرمالی

تبر: یک

ترا: است

تور: تک

توکر: ترک

ش

تیس: دندان

شکله رکب و شرفزار و مورد: ۱۷۶ شکله شرفزار و مورد: ۱۸۵ پن باقم گوسه: ۱۸۵ شکله، پز
 شکله رکب و شرفزار و مورد شکله کوهست در شکله شکله چایی ۱۵۹ میر، طغلی پز
 شکله شکله چایی ۱۵۹ بیژنی بندان، طغلی خرمالی شکله در شکله این خانه نصف است و بجای آن
 برون که جز در شکله شکله است بطور مس و در شکله بیژنی در شکله شکله این درگاه شکله در شکله است
 شکله شکله: گون سوم که در شکله شکله است شکله رکب و شرفزار و مورد: ۱۸۵
 شکله مورد: ۲۳۶ شکله باقم بکر، نیز شکله شرفزار
 شکله ایضا ۲۳۶ شکله طبع، نیز شکله: خرمالی شکله شکله: توکر شکله شکله: تک
 شکله شکله: شکله شکله شکله شکله: توکر شکله شکله شکله: تک
 شکله شکله مسنی دانه: ۱۸۵ شکله، مورد: ۲۳۶ و شرفزار

۱۵۸

تفصیح مرتدین	تفصیح مرتدین	تاریخ کوه
تفصیح مرتدین	تفصیح مرتدین	تولایح پاتا
تفصیح اسبکیت	تفصیح اسبکیت	تولایح کشتاورنگ
		تولایح نامک

تولایح نامک	تولایح نامک	تولایح نامک
تولایح نامک	تولایح نامک	تولایح نامک
تولایح نامک	تولایح نامک	تولایح نامک
تولایح نامک	تولایح نامک	تولایح نامک

تولایح نامک	تولایح نامک	تولایح نامک
تولایح نامک	تولایح نامک	تولایح نامک
تولایح نامک	تولایح نامک	تولایح نامک
تولایح نامک	تولایح نامک	تولایح نامک

۱۵۸
 ۲۵۶ تولایح نامک
 ۲۵۷ تولایح نامک
 ۲۵۸ تولایح نامک
 ۲۵۹ تولایح نامک
 ۲۶۰ تولایح نامک
 ۲۶۱ تولایح نامک
 ۲۶۲ تولایح نامک
 ۲۶۳ تولایح نامک
 ۲۶۴ تولایح نامک
 ۲۶۵ تولایح نامک
 ۲۶۶ تولایح نامک
 ۲۶۷ تولایح نامک
 ۲۶۸ تولایح نامک
 ۲۶۹ تولایح نامک
 ۲۷۰ تولایح نامک
 ۲۷۱ تولایح نامک
 ۲۷۲ تولایح نامک
 ۲۷۳ تولایح نامک
 ۲۷۴ تولایح نامک
 ۲۷۵ تولایح نامک
 ۲۷۶ تولایح نامک
 ۲۷۷ تولایح نامک
 ۲۷۸ تولایح نامک
 ۲۷۹ تولایح نامک
 ۲۸۰ تولایح نامک
 ۲۸۱ تولایح نامک
 ۲۸۲ تولایح نامک
 ۲۸۳ تولایح نامک
 ۲۸۴ تولایح نامک
 ۲۸۵ تولایح نامک
 ۲۸۶ تولایح نامک
 ۲۸۷ تولایح نامک
 ۲۸۸ تولایح نامک
 ۲۸۹ تولایح نامک
 ۲۹۰ تولایح نامک
 ۲۹۱ تولایح نامک
 ۲۹۲ تولایح نامک
 ۲۹۳ تولایح نامک
 ۲۹۴ تولایح نامک
 ۲۹۵ تولایح نامک
 ۲۹۶ تولایح نامک
 ۲۹۷ تولایح نامک
 ۲۹۸ تولایح نامک
 ۲۹۹ تولایح نامک
 ۳۰۰ تولایح نامک

نیک‌تیر
نیک‌ایام
ل

نیک‌نشان
نیک‌بی‌مردم
صل‌ما

م
نورم
ن

نورم

نورنگان
نورنگان
نورنگان
نورنگان
نورنگان
نورنگان
نورنگان

نورنگان
نورنگان
نورنگان
نورنگان
نورنگان
نورنگان
نورنگان

منه بودا اولاد نیک‌نشان. یر تاتنگ نیک‌حصان (چاپی دواک خط عربی)
 منه بنامشد نیک تیر (کجا برتش) اما ناشد چاپی تبر خط عربی است
 منه ناشد بی‌مردم، دوی بی‌مردم، بی‌مردم (مرد و ماده بی خود)
 منه که اسف در یانگده، موج دادند
 منه موج دادند، ناشد نورم سرجام (تبر درون نظر) بی تبرجام
 منه نیک ناشد و موج ا ۲۵۵ و خرما
 منه بی نورنگان، ناشد نورنگان، کجا نشان. شعرا نورنگان
 منه که اسف در بی‌مردم و بنامشد، موج و زرقار ره کده و چه آورده سر لعل و نیکس (امل عربی)
 منه خرما و موج نیک
 منه که اسف و ناشد، موج دادند منه که اسف دوی و ناشد، اما موج و خرما، حاد و خیر ی
 منه بی شیماری
 منه ناشد نشان، موج ایما ولی، اما داد
 منه موج ا ۲۶۹ نیکس، نورنگان شیوار، ناشد نورنگان علیار، شری و که فی انش
 منه ناشد نیکس حسان، موج م و منه ناشد که ال انش
 منه ناشد، لغت بود

لی	جولین شنگ
پانزده س	
ک	
جورگه قوس	جورگه شنگی
جورگه شکر	جنگه سبزی
ن	
بکن شامج	بولین شکیل
جیغان دس	جقطن سبزی
	جسورن کت

د	
جنگه کند	جورگه شامج
	جغده سببیت که ترا یا آرد گوید
کونند (بجم) ح-ر	
	جورگه سوس

قی

حلقه املاء

سے سویدیں داتہ ادا انارک شرمادہ دہشتو سے صومہ ۲۹۹ یہ ک شریارہ نامتھ
سے جنتھ کواکب جھہ رگ کمانو سے صومہ ۱۲۵ اک بیان جنتھ ۲۱ م لورلی
اس سے نامتھ کہ ائی ایش سے بہ شامج . اما سو کہ ایش شامج ۵ چر فلن بارہ
(۲۳۵) سے کاتھہ یہ کلاہ

سے سوید ۳ جیغان جیغان نہ لورہ اما نامتھ دتروہ کہ لی اس
سے صومہ ۳ جیغان دینہ . لاکر شرمادہ نامتھ . ما ۱۲ دچوں انری . جیس ۱۰ م اماسی
اسے بہت

سے رگ نامتھ
سے نامتھ کہ ادوس ۱۰ یہ جورگہ
سے رگ نامتھ

۱۶۴

ک

چاک کرس

۵

حلقه کرس

گوند (هشتم) - ل

خود کرس

ن

خاقون کرس

گوند (هشتم) - د - ه

دلقه کرس

ر

دور کرس

گوند (هشتم) - ر - ت

رود کرس

ن

رودخان کرس

ک

روح کرس

گوند (هشتم) - ص - ب

سجابه کرس

سجابه کرس چوین است چاکتر گوی سرورام
 له بافتد کرس عری له رگ بافتد له بافتد گوند هشتم که در آمار کس جا است
 له بافتد که ای ایش له سوچا ۲۶۹ دل بازی له بافتد گوند هشتم که در آمار کس وال است
 له بافتد دلی مرس له دست کسیر له بافتد ده دست
 له بافتد گوند هشتم که در آمار کس جا است له بافتد که در ص
 له بافتد رایگ له بافتد گوند هشتم که در آمار کس جا است
 له بافتد معاصه چینی است خروار مسا صس برایشین پشتر چوک و نام دلاق

۱۶۳

ت

سوکت شیخ بیه

سورت شیخ

ج

سویج شیخ تادوی

سویج شیخ
سایج شیخ اینه

ر

سویز شیخ آب و حراب
سفسار شیخ وگل، وگل حادری شیخ

سورا، پارسین است
سوز شیخ مهر
سفر شیخ ۵۰ بیت از عرب

ز

سوز شیخ مصر

ش

سفش شیخ درتال تان شکر

سوکش شیخ کر

س

سسیج شیخ سودا

سبسیج شیخ دریا

منه که تاشق و در زمانه شیخ که است و کما انار حرام است نه شیخ که است و تاشق حوا

د ۴۶۹ سبسیج ۱۹ انار حرام که است و ش شیخ که است و سوز شیخ در انار حرام است. ۱۲ ۲ ۱۲

شیخ که است و سوز شیخ در انار حرام است. ۱۲ ۲ ۱۲

شیخ که است و سوز شیخ در انار حرام است. ۱۲ ۲ ۱۲

شیخ که است و سوز شیخ در انار حرام است. ۱۲ ۲ ۱۲

شیخ که است و سوز شیخ در انار حرام است. ۱۲ ۲ ۱۲

شیخ که است و سوز شیخ در انار حرام است. ۱۲ ۲ ۱۲

شیخ که است و سوز شیخ در انار حرام است. ۱۲ ۲ ۱۲

شیخ که است و سوز شیخ در انار حرام است. ۱۲ ۲ ۱۲

شیخ که است و سوز شیخ در انار حرام است. ۱۲ ۲ ۱۲

شیخ که است و سوز شیخ در انار حرام است. ۱۲ ۲ ۱۲

شیخ که است و سوز شیخ در انار حرام است. ۱۲ ۲ ۱۲

شیخ که است و سوز شیخ در انار حرام است. ۱۲ ۲ ۱۲

سختی

سختی سال
سرخ سنگ
سختی شال
سختی جنس

ق

سرخ سنگ
سختی سنگ
سختی کاسه - دانی - کوبه

سختی ستر

سختی ستر

سختی نی
سختی باس
سختی کهنار

ن

سختی نی
سختی باس
سختی کهنار

سختی که است و آشفته و سرد ۳۴۱ ۳۱۵ ۳۱۶ سارخ اوج و اولاد تقصیر و آب آغ
سارخ و نوک گل اسب رنگ سختی که است و سرد ۳۴۲ ۳۱۶ سارخ اوج و اولاد تقصیر و آب آغ
رنگ کاسه کوبه ۳۴۳ ۳۱۶ سرخ سنگ
سختی که است و آشفته و سرد ۳۴۴ ۳۱۶ سرخ سنگ
سختی که است و آشفته و سرد ۳۴۵ ۳۱۶ سرخ سنگ
سختی که است و آشفته و سرد ۳۴۶ ۳۱۶ سرخ سنگ
سختی که است و آشفته و سرد ۳۴۷ ۳۱۶ سرخ سنگ
سختی که است و آشفته و سرد ۳۴۸ ۳۱۶ سرخ سنگ
سختی که است و آشفته و سرد ۳۴۹ ۳۱۶ سرخ سنگ
سختی که است و آشفته و سرد ۳۵۰ ۳۱۶ سرخ سنگ
سختی که است و آشفته و سرد ۳۵۱ ۳۱۶ سرخ سنگ
سختی که است و آشفته و سرد ۳۵۲ ۳۱۶ سرخ سنگ
سختی که است و آشفته و سرد ۳۵۳ ۳۱۶ سرخ سنگ
سختی که است و آشفته و سرد ۳۵۴ ۳۱۶ سرخ سنگ
سختی که است و آشفته و سرد ۳۵۵ ۳۱۶ سرخ سنگ
سختی که است و آشفته و سرد ۳۵۶ ۳۱۶ سرخ سنگ
سختی که است و آشفته و سرد ۳۵۷ ۳۱۶ سرخ سنگ
سختی که است و آشفته و سرد ۳۵۸ ۳۱۶ سرخ سنگ
سختی که است و آشفته و سرد ۳۵۹ ۳۱۶ سرخ سنگ
سختی که است و آشفته و سرد ۳۶۰ ۳۱۶ سرخ سنگ

سنگین	سنگین
سواکن	سواکن
سکسن	سکسن

سنگو	سیکو
سورآب	سیرزک
	سوق

سوزنی	سودجی
سپهر	سفری
سدهی	سپهر
گوزم	شیش

سنگ که است در تاقچه از هزاره هجدهم تا سده بیستم و در بعضی
 به گوشت نامند اربعه میهنند و در این سده در بلاد و در حوضها باه
 که است در تاقچه هجدهم تا سده بیستم و در بعضی
 که است در تاقچه هجدهم تا سده بیستم و در بعضی
 حاره ۸۰ سکو بیرو که در ایالت تاقچه هجدهم تا سده بیستم
 که در تاقچه هجدهم تا سده بیستم و در بعضی
 سوزنی که است در تاقچه هجدهم تا سده بیستم و در بعضی
 سپهر که است در تاقچه هجدهم تا سده بیستم و در بعضی
 سدهی که است در تاقچه هجدهم تا سده بیستم و در بعضی
 گوزم که است در تاقچه هجدهم تا سده بیستم و در بعضی

۱۶۶

ق

شکل ۱۱۱

و

شکل ۱۱۲

گونا (یا زدم) ص - و

شکل ۱۱۳

ی

شکل ۱۱۴

گونا (یا زدم) ط - و

شکل ۱۱۵

ز

شکل ۱۱۶

ق

شکل ۱۱۷

ل

شکل ۱۱۸

م

شکل ۱۱۹

شکل ۱۱۱ و ۱۱۲ اصل افتادگی به شکل تاشند در صفت و شکل تاشند گونا یا زدم که در آنجا صد است
شکل ۱۱۳ این را نام و بیخ صوفی و تاشند و تاشند صوفی و آب

شکل ۱۱۴ و ۱۱۵ اینها نیز تاشند و تاشند صوفی و تاشند صوفی و تاشند صوفی و تاشند صوفی

شکل ۱۱۶ و ۱۱۷ اینها نیز تاشند و تاشند صوفی و تاشند صوفی و تاشند صوفی

شکل ۱۱۸ و ۱۱۹ اینها نیز تاشند و تاشند صوفی و تاشند صوفی و تاشند صوفی

شکل ۱۱۹ اینها نیز تاشند و تاشند صوفی و تاشند صوفی و تاشند صوفی

(در شکل ۱۱۹ و ۱۲۰ که تاشند صوفی و تاشند صوفی و تاشند صوفی)

شکل ۱۱۹ و ۱۲۰ که تاشند صوفی و تاشند صوفی و تاشند صوفی

قبحه کبیر

ح

قوسح بگنوان

د

قراقرظ کلاف

قربان
قربان
قربان

قندز دیک دست

قربان

قوکرا اسپ قکا که سردی زند

ز

قندز بر شش است سبزه

قربان خیزد تلک

قلاور راه

قربان
قربان
قربان

س

قیاس آفتاب

شاه تاشقند بر ماه
 شاه تاشقند کراوش
 القند سما دیک ، القند ریح
 شاه تاشقند باندوش
 شاه سبیده کتا در پیش گو
 شاه رگ تاشقند ، ۷۶ ۲ ترهده
 شاه رگ تاشقند ، سو ، خرندار ، ایزر ، غازه ، ماهور
 شاه سو ۶ ۷۳ قله برده ایست آن که اگرک بجه و در زمین اشترامی آنی لاله نشه ، بر رگ خرندار
 شاه مشن سلطان تاشقند ، قلاور ، قلاور ، قلاور ، هر چه صورت می آید کسی با هم ، راهبر
 شاه تاشقند راهبری ، بر راهبر و وطن قلاور ، بر رگ خرندار
 شاه ایزر ، ایزر ، در سبزه ، ماهور
 شاه سو ۲ ۷۵ دلی طاری ، قیاس آفتاب ، تاشقند کراوش

ل
قرآن سبزه

قرآن باز

ن

قائمان چه کف پای

تقصیر چه قاف

قهر غمگین چه ادریس

قطن چه کره

قویون چه کوشش

قوسقون چه بادام

قارخون چه دیک و قاقا خان و قارخان بر گوید

قهرمان چه شک

قارن خوس و سیر بادشاه چه را گوید

قارون چه بره

قوروش چه سرب

قیلین چه پلنگ

قلین چه سیر

قرین چه شک که در برین مات

و

قانون الله

قانون الله

- ۱- شاهنشاه جهان، ۱۰ ص ۲۰۰، نقل باصم علم، سررک هزار
- ۲- قرآن مجید، در اصل و تائید، در نو، ص ۱۰۰، انان من سر، اول، اسطو، روح سید
- ۳- کرب و دوا، کاتوی، ۱، ص ۳۷۱، کوز، ص ۲، ص ۳۳۵، سررک ص ۲، ۱۰
- ۴- شاه گدا، تائید و سوز، اصل، انان تائید، ص ۱۶۳، قرآن
- ۵- شاهنشاه، شاه زاد، شاه جهان، ص ۱۰۰
- ۶- شاه خا، ص ۱۰۰، شاه زاد، شاه جهان، ص ۱۰۰
- ۷- شاه جهان، کانی، شاهنشاه
- ۸- شاه جهان، کانی، شاهنشاه
- ۹- شاه جهان، کانی، شاهنشاه
- ۱۰- شاه جهان، کانی، شاهنشاه
- ۱۱- شاه جهان، کانی، شاهنشاه
- ۱۲- شاه جهان، کانی، شاهنشاه
- ۱۳- شاه جهان، کانی، شاهنشاه
- ۱۴- شاه جهان، کانی، شاهنشاه
- ۱۵- شاه جهان، کانی، شاهنشاه
- ۱۶- شاه جهان، کانی، شاهنشاه
- ۱۷- شاه جهان، کانی، شاهنشاه
- ۱۸- شاه جهان، کانی، شاهنشاه
- ۱۹- شاه جهان، کانی، شاهنشاه
- ۲۰- شاه جهان، کانی، شاهنشاه

قرغه	قرغه ناز
قرغه	قرغه
گوته (چهارم) ک - ت	

ج

کر	کر
کر	کر
کر	کر
کر	کر
کر	کر
کر	کر
کر	کر
کر	کر
کر	کر
کر	کر
کر	کر

کله تاخنده قوه، ص ۲۶۲، قره دار قره راج له تاخنده قوه مورخ مورخه له تاخنده کړاى بللن
 له ص ۲۶۲، ۱۹۸۸ تر ۱۹۹۰ فرانسې فرانسې سپاه، تاخنده کړاى بللن له تاخنده گړا چا دم کړه د تاراکر کړه
 له کواست ورتاخنده له کواست ورتو، ص ۲۶۲، ۱۹۸۲، تاخنده کړه له کوه تاخنده
 له کوه است ورت، تاخنده کړه له تاخنده کړاى بللن له تاخنده کس سره ورتاخنده (۱)
 له تاخنده کیش نو (مدون لفظ) له تاخنده کړاى بللن له ورتاخنده تاخنده کړاى بللن
 له رگ تاخنده له متر مطان تاخنده له مورصل (په) ص ۲۶۲ له په کر
 له متر مطان تاخنده له تاخنده کنگ له رگ تاخنده
 له تاخنده طالع، خزانه کلک ص ۲۶۲، ۱۲۳ طالع
 له کواى تاخنده، خزانه کلک، ورتاخنده، ص ۲۶۲، کنگ، ورتاخنده
 له مورصل ورتاخنده، ورتاخنده، ص ۲۶۲، ۱۲۳ ورتاخنده

کوکلی حسد	کله ماکسورده کل یا
-----------	-----------------------

ک

کلب بزم عبداصی

کینه شه ترستس	کاوژش کوروش کیرت بیاه
---------------	--------------------------

ک

کشتن شه و عراس	کوشی مرام
کلارچی کلاپسان	کرکلی شه نیت
کشتی کرحت	کلاری شه آه
کشتی دو کاهار	کجل کلید
گونا (یا نژد اتم اول - و	گورچه مگر

ک

کاوچین شه شاهین کوی

ک

کریه جوی

کله رک تاشده (طی) شه تاسده (۱۸۷۱) شه رک تاشده
 شه پاشده کلابرم شه کورسوز اصل (ب) جواجی ترکیه وچه نند شه مشن مطاق تاشده
 شه گورامت در اصل تاشده شه رک تاسده شه استسده نه عراس
 شه رک تاشده شه س کلابی مشن مطاق تاشده شه رک تاشده
 شه مشن مطاق تاشده شه رک تاشده شه تاسده کسفی
 شه پاشده گورابرم که در آخال قش کام است شه رک تاشده
 شه مشن تاسده تاشده شه مشن تاسده تاشده

یاج	یاج
یاج	یاج
یاج	یاج
یاج	یاج
یاج	یاج
یاج	یاج
یاج	یاج
یاج	یاج
یاج	یاج
یاج	یاج
یاج	یاج
یاج	یاج
یاج	یاج
یاج	یاج
یاج	یاج
یاج	یاج
یاج	یاج
یاج	یاج

علی نامه ریخ
 علی بی و تاشقند بگرد
 علی حسن سلطان تاشقند
 جشن مجلسی دیگر آمده
 علی ریک خرداد و صوحر ۲ ، ۲۸۷ ، ۲۹۰۵
 علی تاشقند خاره
 علی تاشقند بگرد
 علی تاشقند خاره ، هر یک از هر یک ای مورد نور بان آمده